



آیت‌الله عارفی

# احیای هویت و تمدن حوزوی

## دستاوردها، چالش‌ها و رسالت‌های پیش‌رو

آیت‌الله علیرضا عارفی، مدیر حوزه‌های علمیه، در اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور که با موضوع بررسی «مباحث اخیر و جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ۱۲ روزه» و با حضور اعضای شورای عالی حوزه، مدیران حوزه‌های علمیه، معاونان، مدیران استانی و مدیران مدارس علمیه برگزار گردید، ضمن اشاره به جایگاه برجسته حوزه‌های علمیه در دوره معاصر به‌واسطه اندیشه‌های نوآورانه، حضور فعال در عرصه‌های جهاد و دفاع و پراکندگی جهانی، نکات مهمی در خصوص اهمیت تربیت علمی عمیق، شناخت میراث فلسفی و فقهی، و تأکید بر آموزش جامع طلبه‌ها، به‌ویژه بُعد معنوی و اخلاقی در قالب «برنامه پنهان» آموزشی که نقشی برجسته در شکل‌دهی هویت حوزوی ایفا می‌نماید، ارائه نمود که مشروح آن در متن پیش رو تقدیم حضور می‌گردد.

- دستاوردها و چالش‌های حوزه‌های علمیه در دوره معاصر**

حوزه‌های علمیه امروز دارای اندیشه‌های نورانی و نوآورانه هستند و در میدان‌های جهاد و دفاع حضور فعال دارند. این حوزه‌ها جمع فراوانی از ایثارگران، رزمندگان، آزادگان و شهدای گران‌قدر تقدیم کرده‌اند. آنها به‌صورت گسترده در جهان گسترش یافته و در همه عالم معاصر رو به پیشرفت هستند. این حوزه‌ها ناظر به مسائل نو و معاصر بوده و دارای فضایی جوان و محققان برجسته‌ای هستند. حوزه‌هایی که به‌شکلی بی‌نظیر در طول تاریخ حوزه‌های علمیه به خارج از ایران امتداد یافته‌اند. گاهی عرض کرده‌ام: در گینه کوناکری، آن سوی دنیا، هنگامی که وارد فرودگاه شدم، بیست معمم به‌برکت انقلاب اسلامی آمده بودند. این موضوع پانزده سال پیش اتفاق افتاد. ما پیش از انقلاب اسلامی فقط از هفت– هشت کشور جهان طلاب داشتیم و جدای از موارد اندک، کسی نداشتیم. امروز هزاران نفر با عمامه شما، با این تاج افتخار سربازی حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام در دنیا پراکنده‌اند؛ حوزه‌ای که چتر آن بانوان را نیز فرا گرفته و دارای ذخایر و ظرفیت‌های انباشته است.

اما همین حوزه موفق و سرآمد کنونی، حوزه‌ای است که راه‌های نرفته فراوان دارد. نقص‌هایی دارد که باید ترمیم شود؛ فاصله زیاد با پاسخگویی به همه نیازها، انتظاراتی بیش از آنچه اکنون تأمین می‌کند، تأخیر در امتدادهای مهم فقه و فلسفه و کلام در ارتباط با جهان و جامعه و نظام، ضعف‌هایی در نظام‌های آموزشی و علمی، عدم توجه کافی به همه اولویت‌ها و مهم‌ترین مسائل، کمبودهایی در مسیر ابلاغ مبین، عدم کفایت لازم غده فعلی در برابر سیل تلقینات مغالطه‌آمیز برآمده از تمدن مادی غرب و ضعف‌های دیگری که در نظام‌های آن وجود دارد. این نواقص باید در کنار آن پیشرفت‌ها مورد توجه قرار گیرد.

- احیای هویت حوزوی؛ نخستین مسئولیت طلاب**

در میان نکات مهمی که جزء هویت حوزه هستند، چند مطلب رامطرح می‌کنم. سال قبل همه آنچه در محضر شما مطرح شد، سخنان دوستان و عرایض خود را دیشب مرور کردم تا در جلسات آتی، برخی را تکرار کنم. یادم است سال گذشته عرض کردم که دو مسئولیت بزرگ بر دوش شما نهاده شده است. یکی صیانت، احیا، تقویت و تعمیق هویت حوزوی.

حوزه، هویتی رسالت‌مدار و بسیار ممتاز دارد که ریشه در اعماق تاریخ دارد. این هویت دستاوردهای بزرگی برای عزت و عظمت ایران و منطقه و جهان اسلام به‌بار آورده است. ما نهادهای بی‌ریشه نیستیم؛ پشت‌سر ما سلسله بزرگی از فقها، علما و متفکران قرار دارد. پشت‌سر این نام و زیر این عمامه، تاریخ عظیمی از نهضت‌های الهی و نجات‌بخش مردم قرار دارد.

این هویت در معرض طوفان‌های متنوع و جدید است؛ طوفان‌های علمی و فکری، شبهه و سؤال، طوفان‌های اخلاقی و معنوی و طوفان‌های اجتماعی و سیاسی. این هویت، تناور و تنومند است؛ اما در معرض بادهای سهمگین قرار گرفته است. آقای مدیر و استاد، اولین وظیفه ما صیانت از این هویت، جلادادن به آن و بازآفرینی آن در عمق وجود طلبه است. اگر این هویت زنده باشد، بدانید که این موج‌ها آن را نخواهد شکست.

ما در عصرمان امامی داشتیم که شصت و دو سال پیش در برابر تمام نیروی مسلط بر ایران و منطقه و جهان که به سمت دین‌زدایی می‌رفت، ایستاد و با آن عظمت، روی سکوی فیضیه فرمود: «اسلام شما را نجات می‌دهد، ما خیرخواه شماییم.» این عظمت از امام که یک نفر بود و بزرگان حوزه که همراه این مسیر شدند و فته قلیلی بودند؛ اما این هویت استوار به آنها احساس شخصیت و عظمت می‌داد. این هویت را شما باید پاسداری کنید. احیای هویت حوزوی، تعمیق هویت حوزوی، افتخار به هویت حوزوی. اگر این بیاید، همه چیز خواهد آمد؛ حتی اگر هیچ چیز دیگر نداشته باشیم.

گاهی به طلاب بزرگوار می‌گویم: زمانی که در دوران پیش از انقلاب به تحصیل مشغول بودیم، ما سه یا چهار طلبه در صحن مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام، بر روی زبولی فرسوده و در شرایط سخت سرما و گرما به تحصیل اشتغال داشتیم. سال ۱۳۵۴ کتاب اقتصادنا و فلسفتنا را در محضر حضرت آیت‌الله حائری رحمته‌الله فرا گرفتیم؛ در آن زمان نه از امکانات سرمایشی بهره‌ای بود، نه گرمایشی فراهم بود و نه امیدی به آینده در آن زمان به چشم می‌خورد. تمامی جهان مقابل حوزه علمیه قرار داشت. در آن وقت پانزده یا شانزده ساله بودم و در همان سال چندروزی نیز بازداشت شدم. هنگامی که در خیابان‌های قم تردم می‌کردیم، می‌گفتم آمده‌ام برای مجاهدت، فداکاری، تحمل زندان، تبعید و حتی شهادت. در ظاهر هیچ‌چیز در دست نبود؛ لیکن همین هویت بود که آنها را توانمند و مقاوم می‌ساخت. این روحیه و هویت باید بار دیگر احیا گردد.

- هویت حوزوی و منزلت علما؛ دورسالت بنیادین**

برخی مدیران محترم مدارس علمیه در فرآیند جذب متقاضیان، کلیب‌هایی منتشر کرده‌اند که در آنها مطالبی نظیر «آینده کیجاست؟» و «آموزش و پرورش کیجاست؟» مطرح شده است. متأسفانه این نوع بیان فاقد مناسبت و جذابیت لازم بوده است و دوستان نیز نسبت به این موضوع تذکراتی ارائه کرده‌اند. برخی دیگر از مدارس فراتر رفته و به برجسته‌سازی امکاناتی چون وجود استخر در مدرسه پرداخته‌اند. هرچند معتقدم برای آینده باید برنامه‌ریزی کرد و مسیرهای خدمت را

به‌روشنی ترسیم نمود؛ اما این مسأله اصل موضوع نیست؛ بلکه ذات و هویت حوزوی باید صراحت و برجستگی یابد.

احیای هویت حوزوی رسالتی است که بر عهده همگان قرار دارد؛ رسالتی که منشأ آن، شناخت طلبه نسبت به هویت خویش به‌عنوان عضوی از حوزه و درک منزلتش در نگاه جامعه است. هویت به‌معنای درک عمیق طلبه نسبت به ماهیت حوزوی خود و منزلت یعنی جایگاه علمی، معنوی و مجاهدانه عالم دین در نظر جامعه، به‌ویژه نسل جوان. منزلت معلول هویت است؛ اما هر دو باید حفظ، تقویت و تعمیق شوند. وظیفه نخست آن است که طلبه هویت عمیق خود را درک نماید و دوم اینکه منزلت عالم دین به‌عنوان شخصیتی علمی، معنوی و مجاهد، در نگاه جامعه تثبیت شود؛ حتی مخالفان نیز هنگام رجوع به وجدان خود می‌پذیرند که آن عالم فردی دانا و منصف است؛ سخنان بی‌معنا و ناپخته نمی‌گوید و در پی اغراض شخصی نیست؛ گرچه ممکن است در بیان برخی مسائل استواری داشته باشد؛ اما وجدان جمعی جوانان و مردم، اقتدار و استحکام اصول او را تأیید می‌کند. این دو رسالت – یعنی تکوین هویت ناب حوزوی و منزلت اجتماعی مستحکم– باید توسط حوزه دنبال شود. در این زمینه، به چند محور مهم اشاره می‌کنم که در دوران معاصر باید در رأس برنامه‌ها و رسالت‌های حوزه قرار گیرد.

نخستین و مهم‌ترین آنها، هویت، رویکرد و آرمان تمدنی است که رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات خود، به آن اشاره فرموده و آن را به‌عنوان پنجمین محور و قله فعالیت حوزه معرفی کرده‌اند. سایر بزرگان نیز بر آن تأکید داشته‌اند. نخستین عنصر شکل‌دهنده هویت حوزه، همین نگاه تمدنی و تجلی آن در همه ابعاد فکری و عملی است؛ به‌عنوان مثال، دروس ادبیات که از همان آغاز شروع می‌شود، باید بر مبنای این هویت تمدنی پایه‌گذاری و ارائه گردد.

- نگاه تمدنی به اسلام؛ راه میانه بین تقلیل‌گرایی و افراط‌گرایی**

نگاه به اسلام را می‌توان در سه رویکرد دسته‌بندی کرد. نخست، نگاه تقلیل‌گرایانه که اسلام را به ارزش‌های فردی، احساسات قلبی یا مناسک پراکنده تقلیل می‌دهد و دین را صرفاً به‌عنوان عنصری حاشیه‌ای در تمدن بشری تفسیر می‌کند. بر اساس این دیدگاه، دین تنها اصلاحاتی جزئی در حاشیه تمدن بشر ایجاد می‌کند؛ نکته‌ای که تا حدی درست است؛ اما کافی نیست. تقلیل دین به امری فردی، قلبی و غیرتمدنی و تفسیر آن به‌مثابه تعلیقه‌ای بر روند تمدنی بشر، رویکردی است که گاه در درون حوزه‌های علمیه نیز مشاهده شده و در خارج از حوزه‌ها شایع‌تر است. جمعی از روشن‌فکران معاصر در دنیای عرب و ایران نیز، گرفتار این نگرش محدود شده‌اند. این همان مفهوم «اسلام حدافلی» است که تفسیر مختلفی دارد. در نقطه مقابل، ممکن است نگرشی افراطی و نادرست وجود داشته باشد که ادعا کند، در متون دینی منبع نقلی برای هر چه می‌خواهیم هست؛ از پزشکی گرفته تا کلیه مهارت‌ها و فنون؛ در حین حال ارزش علمی سایر علوم را انکار کند. این رویکرد که با نفی پیشرفت‌های علمی بشر و تمسک صرف به ظواهر متون همراه است نیز، رویکردی نادرست و نامعقول است.

آنچه ما مطرح می‌کنیم، هویتی تمدنی است؛ یعنی نگاهی متعادل و سنجیده که اسلام را دینی دارای نظام‌ها و زاهبری همه عرصه‌های فکری، معرفتی و معیشتی انسان می‌داند. این نگاه، بر اساس اصول ثابت و متغیر، راه را برای بهره‌گیری از تجربه‌ها و دانش بشری با معیارهای خود باز می‌گذارد. این همان هویت تمدنی است؛ نه تقلیل‌گرایی ساده‌انگارانه و نه تحرج‌مسلكی. نگاهی بلند و نظام‌مند به اندیشه‌ای که ریشه‌های مستحکمی دارد و شاخه‌های آن بر همه راه‌های بشری سایه افکنده و در همه حوزه‌ها به اصلاح و هدایت می‌پردازد.

اگر اندیشه اسلامی در علوم انسانی دخالت کند، آنها را در مسیر صحیح هدایت خواهد کرد. اگر به فناوری‌ها نوافشانی نماید، مسیر توسعه را به سوی درستی هدایت می‌کند و سبک زندگی جامع، متعادل و صحیحی می‌سازد. این همان اسلامی است که ریشه در انجهد و اندیشه زرف حوزوی دارد و امام بزرگوار در عصر جدید، این نگاه را به‌خوبی شفاف و برجسته کردند. این، هویت اصیل و عمیق حوزه علمیه ماست.

در دوران گذشته که دانشگاه‌ها وجود نداشتند، همه علوم بشری در مدارس و معاهد دینی تدریس می‌شد و این امر به–معنای پرتوافکندن روح معنوی و الهی بر آن علوم بود؛ اما باگسترش علوم و به‌دلایل تاریخی، فلسفی و اجتماعی، این تفکیک رخ داد. با این حال، لازم است که رویکرد تمدنی و جامع اسلامی در همه حوزه‌ها همچنان حاکم و جاری باشد.

- اصول و ارکان رویکرد تمدنی در حوزه‌های علمیه و ضرورت آموزش جامع برای طلبه‌ها**

عناصر اصلی این رویکرد تمدنی عبارت‌اند از: عدالت، پیشرفت، معنویت، مجاهدت، مقابله هوشمندانه با اندیشه‌های مادی و جلوه‌های مادی تمدن غربی، امید و مقاومت، کرامت انسان، آزادی انسان و طهارت انسان که همگی مبتنی بر نگاه توحیدی و ولایت استوارند. این اضلاع و ارکان، جوهره و ذات حوزه را تشکیل می‌دهند.

تأکید شده است که ضمن لزوم داشتن تخصص‌ها و شاخه‌های متنوع علمی – که در طراحی‌های آموزشی نیز به آن توجه شده– داشتن نگاه جامع و رویکرد کلان و منظومه‌وار بیش از هر چیز دیگری دارای اهمیت

است. طرح‌هایی مانند «اندیشه جامع اسلامی» شهید مطهری، «ولایت» و چند طرح دیگر که برخی هنوز در معاونت تهذیب در حال انجام و تکمیل است، بر این واقعیت تأکید دارند. بارها گفته‌ام که طلبه‌ها در پنج‌باشش سال نخست تحصیل خود، باید متناسب با سطح علمی، یکی از این طرح‌های آموزشی را طی کنند تا با این رویکرد آشنا شوند. هدف از این آموزش، جلوگیری از برخورد سطحی و ظاهری با اسلام است و نشان‌دادن این نکته است که اسلام یک تمدن کامل و اندیشه‌ای جامع است.

- اهمیت هویت علمی و عمق فقهی در تربیت طلبه و رویکرد تمدنی حوزه**

محور دوم بحث ما، هویت و رویکرد علمی همراه با عمق علمی است. این موضوع درواقع زیرمجموعه همان محور نخست یعنی هویت قرار دارد. تفاوت اصلی ما در این است که گاهی در برخی محیط‌های حوزوی مانند جامعه‌المصطفی علیه‌السلام، شاهد پیشنهادهاتی هستیم مبنی بر اینکه مثلاً در مراکز آموزشی «ام‌القری یا المدینه»، فردی را طی دو سال با مطالبی مختصر و پراکنده آماده می‌کنند که درنهایت خروجی آن، فردی وهابی می‌شود و در سطح جهان فعالیت می‌کند؛ برخی پیشنهاد می‌دهند ما نیز همین مسیر را طی کنیم؛ اما من همواره تأکید کرده‌ام که هرچند داشتن بسته‌های درسی جامع و منسجم ضروری‌ست؛ اما آنچه مهم‌تر است، تربیت فردی است که ریشه‌ای عمیق در علم، استدلال و عقلانیت داشته باشد. ریشه علمی طلبه، نکته‌ای اساسی است؛ ما نمی‌خواهیم با شستشوی مغزی یا صرف هیجان و احساس، جوانان و جامعه را هدایت کنیم. هیجان و احساس لازم و مطلوب است؛ اما باید مبتنی بر منطق مستحکم باشد که کلام، فلسفه و علوم اسلامی را در اختیار طلبه قرار می‌دهد. ما میراث فوق‌العاده‌ای در فقه داریم که به‌یقین در هیچ نظام حقوقی جهان چنین عمقی یافت نمی‌شود. نظام‌های فقهی ما و ظرافت‌های اصولی آن، از افتخارات بی‌نظیر و کم‌نظیر اندیشه انسانی است. آثار عالمان بزرگی همچون کمپانی، نائینی و استادان برجسته دیگر علیهم‌السلام، بیانگر دقت و ظرافت علمی خارق‌العاده‌ای است که حتی اگر برخی نقاط آن کمتر مورد تأکید قرار گیرد، همچنان در زمره تحقیقات علمی برجسته به‌شمار می‌رود.

این سرمایه علمی ارزشمند باید به شایستگی ارج گذارده شود و طلبه باید این عمق فقهی را بشناسد و به خوبی درک کند. خود من نیز بارها شاهد بوده‌ام که نمونه‌هایی، ارزش این میراث را نشان می‌دهد؛ به‌عنوان نمونه شخصی را در پاریس دیدم که از تبلیکی خارج شده و تنها تا مرحله مطالعه مکاسب پیش رفته بود. وقتی از او پرسیدم: مشغول چه کاری است، گفت در دانشگاه سوربون برای اخذ دکترای حقوق در رشته حقوق معاملات تحصیل می‌کند. درباره موضوع پایان‌نامه‌اش پرسیدم؛ او پاسخ داد که پایان‌نامه‌اش بر اساس دو صفحه از مکاسب است که آن را استخراج، منقح و با یکی از مکاتب حقوقی مقایسه کرده است و حاصل کارش، پایان‌نامه‌ای بسیار ارزشمند شده است.

- اهمیت هویت علمی و فلسفی حوزه و ضرورت بازشناسی میراث فلسفی و حکمت متعالیه**

عمق فلسفی حوزه ما، به‌ویژه اندیشه‌های ملاصدرا، هنوز به‌درستی شناخته نشده است. ما به همه افکار حوزه احترام می‌گذاریم؛ اما مکتب حکمت متعالیه ملاصدرا را بسیار مهم می‌دانیم؛ هرچند قائل به صحت مطلق هر گفته او هم نیستیم.

واقعاً جای تأمل است؛ مکتب حکمت متعالیه بزرگی که شاید شوخی نیست. یادم می‌آید حدود ۲۵ سال پیش و حتی پیش از تأسیس مرکز جهانی حوزه و جامعه‌المصطفی علیه‌السلام، در یکی از سفرهای علمی خود درباره موضوعات جدید فلسفی و اندیشه‌های ملاصدرا مانند «جسمانیة‌الحادث» و «روحانیة‌البقاء» و «وحدت تشکیکی وجود» بحث کردم که برای شنوندگان بسیار جذاب بود. متأسفانه در انتقال و شناساندن آن میراث عظیم فلسفی، همچون کتاب ارزشمند «اشارات»، موفق نبوده‌ایم. اگر کسی «اشارات» را به‌درستی بخواند، می‌تواند با هر فیلسوفی در جهان گفت‌وگو کند. من ارزش «اشارات» این‌سینا را بسیار بالاتر از برخی بخش‌های اسفار می‌دانم.

این میراث فلسفی بی‌نظیر باید به دانشگاه‌ها منتقل شود و در ابتدا باید به طلبه‌ها فهمانده شود که ما هویت علمی عمیقی داریم؛ ریشه ما در منابع عظیم علمی است که از آن الهام می‌گیریم و تغذیه می‌شویم. برادران، اگر حوزه را چنین معرفت و هویتی نشان دهیم، دیگر نیازی نیست که با تبلیغات امکانات مادی چون «استخر» طلبه جذب کنیم؛ بلکه باید بگوییم ما حتی امکانات مادی نداریم؛ اما گنجینه‌هایی چون اسفار، اشارات، مبسوط، جواهر، مفتاح‌الکرامه، ریاض، مکاسب و بیع امام را داریم و نظریه‌های مترقی در حوزه نظامات حقوقی و فلسفی عرضه می‌کنیم. اینها کالای اصلی ماست. البته یکی از مشکلات ما این است که این میراث علمی را به‌درستی به مسائل و فضای روز معاصر متصل نمی‌کنیم. هفته‌ای نیست که در شورای نگهبان قانون یا موضوعی مطرح نشود و در بررسی‌های حقوقی و فقهی آن ببینیم که بخش‌هایی از آن در فقه و اصول ما مورد توجه قرار گرفته است.

هویت و پیشینه علمی حوزه باید دیده شود؛ اما نباید در آن متوقف شد. آگاهی و رویکرد تاریخی نیز باید در هویت‌مان تقویت شود.

من از همه شما خواهمش می‌کنم که مرتباً پیام «حوزه پیشرو و سرآمد» را مطالعه کنید. یادم هست، روزی که آن پیام را خواندم و به آن اشاره شد، بیش از یک ساعت با آن همراه بودم تا جایی که فراموش کردم، خودم را واسطه انتقال پیام می‌دانم و کاملاً با متن یکی و همسو شده بودم.

بنابراین، جواهر علمی ما یعنی کتاب مکاسب و ظرافت‌های اصولی آن، سرمایه‌ای بزرگ و کم‌همتاست که باید به‌عنوان میراثی گران‌قدر حفظ و توسعه یابد.

- اهمیت هویت تاریخی و معنوی در تربیت حوزوی و نقش برنامه پنهان در آموزش**

یکی از موضوعات بسیار مهم، هویت و رویکرد تاریخی است که نباید آن را دست‌کم گرفت. علاوه بر آن، هویت روحی، معنوی و اخلاقی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نیازمند تأمل، تفکر و تلاش مستمر است. این موضوعات همیشه به‌صورت مستقیم مطرح نمی‌شوند؛ بلکه به‌شکل «برنامه پنهان» در نظام تعلیم و تربیت امروز شناخته می‌شوند؛ همان‌طور که استاد آیت‌الله مصباح یزدی علیه‌السلام اشاره کرده‌اند، برنامه پنهان گاه تأثیری بزرگ‌تر از برنامه‌های آشکار دارد.

در دوره جدید، به‌ویژه با تلاش حجت‌الاسلام والمسلمین قمی، تأکید شده است که آموزش باید هم مستحکم باشد و هم در دل این نظام آموزشی، نگاه فکری، معرفتی، دینی، اجتماعی و معنوی به‌طور ظریف و حساس جاری و منتقل شود. این برنامه پنهان، شامل رفتار ما با طلبه و استاد، انتخاب متون درسی، نوع مثال‌ها و شبیه‌مواجهه است که در شکل‌دهی هویت معنوی، اخلاقی و عرفانی نقش اساسی دارد. بدون این بعد معنوی و اخلاقی، آموزش مفهومی ندارد؛ این، موضوعی بنیادین است. افتخار حوزه ما در داشتن بزرگان و مفاخر معنوی است که خود را در دین و ارزش‌های الهی محو و ذای خدمت معنوی کردند و در قله‌های معنویت جای دارند. این ویژگی را می‌توان در حوزه‌های بزرگ نجف، حله، جبل عامل، بغداد، ری، قم، تهران و اصفهان مشاهده کرد که همواره انسان‌های معنوی برجسته‌ای پرورش یافته‌اند که مایه افتخار ما هستند.

در این زمینه، یادآوری مقام والای آیت‌الله نائینی رحمته‌الله اهمیت خاصی دارد. با تلاش‌های فراوان حجت‌الاسلام والمسلمین فرخ‌فال و سایر دوستان، مقدمات بارگزاری کنگره عظیم آیت‌الله نائینی رحمته‌الله در مهرماه سال جاری فراهم شده است. این کنگره در چند حوزه مهم از جمله قم، نجف و مشهد برگزار خواهد شد و ان‌شاءالله در سطحی بین‌المللی خواهد بود. مجموعه آثار مرحوم نائینی که حدود چهل و شش جلد است، حاصل چندین سال پژوهش است و تجصیع این مجموعه، گامی بزرگ در شناخت بهتر این شخصیت علمی و معنوی است.

من شخصاً پس از سال‌ها ورود به اندیشه معنوی میزای نائینی رحمته‌الله و مطالعه آثار او، به عظمت روحی این عالم توانمند پی بردم؛ نائینی که در بحار فقه و اصول غرق بود و در مجاهدت‌های مشروطه نقش داشت و یک‌سال را نیز در قم گذراند؛ واقعاً شخصیتی شگفت‌انگیز و بهت‌آور است. روایت‌های زندگی او، بستاننده‌ای معنوی و اخلاقی بزرگ برای حوزه ما به‌شمار می‌رود و بسیار حائز اهمیت است که این میراث معنوی به نسل‌ها منتقل شود.

- گذر از خود؛ شرط اساسی خدمت در مسیر دین**

امروز بخشی از مباحث را برای جلسات بعدی گذاشته‌ام و می‌خواهم، صحبت را با توجه به یک موضوع مهم درباره بعد هویتی آغاز کنم. ابتدا لازم است بگویم، با وجود حضور اساتید بزرگوار، چون این موضوع برگرفته از روایات معصومین علیهم‌السلام است، جسارت می‌کنم و عرض می‌کنم: یکی از شروط اساسی در کارهای بزرگ مدیریتی، تبلیغی، علمی و همه شئون خدمت به دین، «گذر از خود» است.

این سخن از کسی است که خود، هیچ قدرت و مدیریتی نداشته است؛ اما این راز موفقیت است؛ یعنی اینکه انسان باید خود مادی و نفسانی‌اش را کنار بگذارد و مانند بولدووزی بر آن عبور کند تا بتواند، خالصانه در راه خدمت به دین، اسلام و انقلاب قدم بردارد. این اصل هم در کار علمی و هم در مدیریت و تبلیغ دین کلیدی است. این مفهوم در آیه شریفه ۸۳ از سوره قصص آمده است: ﴿بَلِّغْ الذِّكْرَ الْأَخْرَۃَ نَجْعَها لِلَّذِینَ لَا یُرِیدُونَ عُلُوۡفَیْ اَلْأَرْضِ وَلَا فُتۡناًوَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ﴾ این آیه مشهور است و یکی از جلسات اوایل انقلاب در مدرسه فیضیه قم با حضور حضرت امام رحمته‌الله برگزار شد که در آن جمع، بزرگان حوزه و علما حضور داشتند. پس از جلسه، شهید آیت‌الله مدنی رحمته‌الله به درخواست حضار، این آیه را تلاوت کرد و شور عمیقی در میان جمعیت ایجاد شد. روایت‌هایی از امام صادق علیه‌السلام نیز ذیل این آیه وارد شده که تأکید می‌کند، آرزوهای دنیوی در برابر این آیه رنگ می‌یازد.

﴿عُلُوۡفَیْ اَلْأَرْضِ﴾ اشاره به استکبار و تکبر در زمین دارد؛ امروز مصداق بارز آن، استکبار آمریکایی و صهیونیستی است؛ اما روایات می‌گویند: این علو درجاتی دارد؛ ابتدا علو ظاهری است که منشأ استکبار می‌شود؛ اما مرحله بالاتر آن، تکبر، حب شرف و تجبر فردی است. فساد هم گناهان و انحرافات است.

هنگامی که در درون خود می‌بینیم، دو نفر قابل احترامند؛ ولی من نمی‌توانم خوبی او را ببینم و خودم را کنار بگذارم تا بتوانم مدیریت، تدریس، تبلیغ یا خدمت کنم، در همین نقطه ﴿بَلِّغْ الذِّکْرَ الْأَخْرَۃَ﴾ برای کسانی است که ﴿لَا یُرِیدُونَ عُلُوۡفَیْ اَلْأَرْضِ وَلَا فُتۡناً﴾. در این مرحله، تمام آرزوهای دنیوی و کبر و خودپرستی باید رنگ ببازد. کبر و خودخواهی صرفاً موضوعی شخصی نیست؛ یک اصل مدیریتی، حکومتی و اجتماعی است. مهارتی که انسان باید بیاموزد، گذشتن از خود است؛ این مهارت نیازمند تمرین و مراقبت مستمر است. بزرگان ما این نکته را به ما آموختند که باید مراقبت کرد و با کبر و خودپرستی مبارزه کرد. طبیعی است که همه روزها موفق نخواهیم بود؛ اما باید ناظر بر این مبارزه باشیم و آن را در نقشه زندگی خود قرار دهیم و اگر در جایی نتوانستیم، بدانیم خداوند رحیم و مهربان است.